

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

عنوان:

**بررسی تصاویر، تعابیر و مفاهیم پارادوکسی در دیوان حزین  
لاهیجی و کلیم کاشانی**

استاد راهنما:

**دکتر محمدمیر عبیدی نیا**

نگارش:

**کبری ابراهیمی**

زمستان ۱۳۹۱



Urmia University

Faculty of Literature and Humanities  
**Department of Persian Language and Literature**

**To receive the degree of Master of Science Thesis (M.A)**

**Subject:**

**Checking Out The Image, Interpretations And  
Concepts Of Paradox In The Poems Of 'Hazin-e-lahiji  
And Kalim-e-kashani '**

**Thesis Advisor:**

**Mohammad Amir Obeidi nia PH.D**

**By: Kobra Ebrahimi**

**Date: 2013**

تقدیم:

" تقدیم به مادر که مرا مهد هنر بود

تقدیم پدر را که دلم بهر هنر سوخت "

## سپاس و قدر دانی:

با تقدیر و سپاس شایسته از استاد ارجمند و فرهیخته جناب آقای دکتر محمد امیرعبیدی نیا که در تهیه ی این پایان نامه بنده را مرهون الطاف و عنایات بی شائبه ی خویش قرار داده اند و با تذکرات سنجیده ی خود در اصلاح و رفع کاستی های این پایان نامه یاری رسان بوده اند.

سایه ی پر مهرشان مستدام باد!

هم چنین از دوست بسیار عزیزم سرکار خانم پریسا حبیبی که دوستی شان را از من دریغ نکردند نهایت تشکر و سپاس را دارم و آرزوی بهروزی و کامروایی را بر ایشان می کنم و همینطور از سایر دوستان که در تدوین این پایان نامه کمک کار بنده بوده اند سپاس گزارم

در نهایت از مادر عزیزم که اسوه ی فداکاری و پاک دامنی است و در همه ی مراحل زندگی ام دلسوز و غمخوار من بوده است بسیار سپاسگزارم و کامیابی امروزم را مدیون دلسوزی ها و زحمات ایشان می باشم و امید وارم که خداوند مرا به جبران زحمات ایشان توفیق ادب عطا فرماید.

سپاس ویژه ی خود را تقدیم همسر مهربانم می نمایم که در همه ی لحظات نوشتن این پایان نامه سختی های آن را با بردباری تحمل کرده و فضای توأم با آرامش و انبساط خاطر ایجاد نموده و زبان به شکوه نگشوده اند. و از خداوند آرزوی صحت و سلامتی ایشان را خواستارم.

## چکیده:

این پایان نامه در واقع پژوهشی است ساختاری بر روی دیوان های دو شاعر برجسته ی سبک هندی یعنی "حزین لاهیجی و کلیم کاشانی" که شامل دو فصل کلی می باشد و مطالب آن به این شیوه تقسیم بندی شده است:

فصل اول در بر دارنده ی مباحث کلی و مقدماتی در باره ی پارادوکس است که در آن به مواردی از جمله: سبک هندی و ویژگی های آن، تعریف پارادوکس و جایگاه آن در سبک هندی، علل وفور این آرایه در سبک هندی، شرح حال و آثار شاعران مورد نظر، پارادوکس در لغت، اقسام و انواع پارادوکس و نیز تفاوت پارادوکس با تضاد پرداخته شده است.

فصل دوم شامل شواهد شعری مربوط به پارادوکس در اشعار حزین و کلیم می باشد این فصل به نحوی است که قبل از پرداختن به شواهد شعری پارادوکس ابتدا به عوامل مؤثر و دخیل در پیدایش آنها اشاره شده سپس شواهد شعری متناقض نما به ترتیب حروف الفبا ذکر گردیده است.

## کلید واژه ها:

حزین، کلیم، پارادوکس، شعر، تصویر، سبک هندی.

## فهرست مطالب

مقدمه ..... ب

### فصل اول ( مباحث مقدماتی )

بخش اول : سبک هندی و ویژگی های آن ..... ۱

بخش دوم: شرح حال حزین لاهیجی و کلیم کاشانی ..... ۱۱

بخش سوم: تعریف پارادوکس ( تناقض ظاهری / شطح / تصویر پارادوکسی ) ..... ۲۵

بخش چهارم: پارادوکس در لغت و چند فرهنگ فارسی و انگلیسی ..... ۳۰

بخش پنجم : پارادوکس، انواع و قالب های آن ..... ۳۸

بخش ششم: تفاوت پارادوکس با تضاد ..... ۵۵

### فصل دوم

بخش اول: بررسی تصاویر پارادوکسی در دیوان حزین و کلیم ..... ۵۹

نتیجه گیری ..... ۱۳۷

### فصل سوم

منابع و مآخذ ..... ۱۴۱

مقدمه:

## بیان مسئله :

عنوان پایان نامه ی حاضر «بررسی پارادوکس در اشعار حزین لاهیجی و کلیم کاشانی» است. البته نگارنده سعی کرده است به بررسی پیشینه ی پارادوکس قبل از سبک هندی و همچنین ویژگی های آن در اشعار سبک هندی نیز نگاهی اجمالی داشته باشد.

استفاده از پارادوکس در ادبیات فارسی پیشینه ای طولانی دارد، شاعران این عرصه از دیر باز از این آرایه استفاده کرده اند ولی استعمال آن در ادوار مختلف متفاوت بوده است به این ترتیب که تناقض در اندیشه در آثار قدما (در نخستین سبک های ادب فارسی یعنی خراسانی و آذربایجانی) به ندرت دیده می شود و از قرن ششم اندک اندک رو به رواج می نهد و اوج شکوفایی و بسامد بالای آن در سبک هندی مشاهده می شود به نحوی که این شگرد در آثار شاعران این سبک تقریباً به گونه ی یک اصل اساسی در می آید از این جهت تمرکز بر این آرایه و مشخص کردن ابعاد آن در آثار این دو شاعر سبک هندی یعنی حزین و کلیم (بیشتر به این دلیل که کمتر مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته اند) ضروری می نمود. همچنین از این جهت که این صناعه تا دوران اخیر ناشناخته مانده و علمای علم بلاغت آن را ناشناخته اند و در میان کتب بدیعی از ترجمان البلاغه ی رادویانی گرفته تا صناعات ادبی جلال الدین همایی، اسمی از این آرایه به میان نیامده و اغلب با تضاد اشتباه و یکی گرفته شده است. بنابراین با توجه به ناشناخته ماندن آن تا دوران اخیر، و همچنین به دلیل اهمیت زیاد این صنعت در بیان بسیاری از مسائل مختلف و ایجاد زیبایی و غرابت کلام و ارزش و اعتباری که در دنیای غرب و در نقد جدید به این صنعت داده می شود، نیاز به کاری جدی در این زمینه کاملاً محسوس بود تا از جنبه ها و زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرد و به خوبی شناخته شود و اهمیت و زیبایی های آن آشکار گردد.



## پیشینه تحقیق:

بدیهی است برای پژوهش در هر زمینه وجود علاقه ای ویژه یا نیازی مبرم ضرورت تام دارد تا به کمک آن حرکت در مسیر پژوهش میسر گردد. در زمان انتخاب موضوع پایان نامه به دلیل علاقه ی وافرم به سبک هندی و انس دیرینه با آن، گرایش به موضوعات تحلیلی و علاقه ی ویژه به اشعار حزین لاهیجی و کلیم کاشانی، شوق خاصی در مورد تحقیق و پژوهش حول محور این موضوع در خود یافتیم. لازم به ذکر است که درباره ی موضوع مورد بحث، قبلاً تحقیق و پژوهش جامع و کاملی صورت نگرفته است و کاری که در این پژوهش انجام یافته، به این شکل و با این تدوین، کاملاً تازه و بی سابقه است. برخلاف دنیای غرب که پارادوکس در آنجا از دیرباز (سال ها قبل از میلاد و حتی در زمان افلاطون) آرایه ای شناخته شده و دارای اهمیت و قابل بررسی بوده است و اینک در قرن بیستم و ایام نقد جدید هم مهم تلقی شده و از جنبه ها و جهات گوناگون مورد بررسی قرار می گیرد؛ این آرایه در میان ما تا این اواخر ناشناخته بوده و از دیدگاه محققین و پژوهش گران مخفی مانده و حتی گاه در برخی کتاب ها که اسمی از این صنعت به میان آمده، از آن انتقاد شده و متأسفانه به عنوان آرایه ای پوچ و بیهوده از آن نام برده شده و چنان که اشاره خواهیم کرد، اولین کسی که در ایران به این صنعت و اهمیت آن اشاره کرده، دکتر شفیعی کدکنی است. پس از ایشان نیز مقالات و یادداشت هایی در برخی کتاب ها و نشریات به صورت جسته گریخته و تا حدی اشاره وار و مجمل در این خصوص ارائه شده ولی به طور مستقل و جامع چنین تحقیقی در ادبیات فارسی صورت نگرفته است. همچنین کار تحقیقی مستقلی در مورد بررسی پارادوکس در سبک های شعر فارسی یا در خصوص کتاب خاص (چه نظم و چه نثر) صورت نگرفته است و تنها چراغ راه نگارنده در طی طریق راهنمایی های علمی و سودمند و اشارات عالمانه ی استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر محمد امیر عبیدی نیا بوده است.

تاکنون مقالات اندکی در خصوص وجود پارادوکس در بعضی از اشعار شاعران کلاسیک نوشته شده اما تاثیر این آرایه و بررسی آن در دیوان اشعار این دو شاعر سبک هندی تا جایی که بنده مطلع هستم، موضوع بررسی و تحقیقی مستقل نبوده است. علاوه بر این هدف نگارنده از انتخاب این موضوع در درجه ی اول ارائه ی انواع پارادوکس های به کار برده شده در دیوان دو شاعر برجسته ی سبک هندی است و با توجه به این که شاهد مثال هایی از پارادوکس های شاعران دیگر این سبک از جمله بیدل و صائب نیز آورده شده است میزان کاربرد این پارادوکس ها به عنوان یک ویژگی خاص شعری در سبک هندی نیز ارائه گردیده است و در درجه دوم بررسی و تبیین میزان تاثیر گذاری عوامل برون متنی و یا درون متنی در پیدایش این تصاویر پارادوکسی در اشعار شاعران مورد نظر بوده است.

## روش کار:

مقدمات نگارش این پایان نامه با مطالعه ی دیوان و شاعران سبک هندی - که مد نظر بودند- آغاز شد و در هر دو مورد ابیات شاهد، استخراج گردید. در انتخاب شاعران دقت شد که چهره های برجسته سبک هندی باشند. همزمان برای کار در بخش مقدمه نیز مطالعات و فیش برداری در مورد ریشه ی پارادوکس و ماهیت آن و ارتباط آن با تضاد و تفاوت آن ها و ارتباط آن با شطحیات و پیشینه ی این آرایه به شرح زیر صورت پذیرفت:

ابتدا در خصوص کلمه ی «پارادوکس» به فرهنگ ها و لغت نامه ها و دایرةالمعارف های فارسی و انگلیسی مراجعه گردید. پس از تحقیق و فیش برداری کامل، ترتیبی و سامانی بدان ها داده شد. در مرحله ی بعد، سابقه ی این آرایه در اشعار شاعران به طور مختصر بررسی گردید. سپس ارتباط این آرایه با تضاد و برخی آرایه های دیگر به طور کامل مورد بررسی قرار گرفت و در وهله ی بعد شرح حال این دو شاعر

ذکر گردید. درباره ی زندگی و آثار این شاعران پژوهش هایی چند صورت پذیرفته، لذا انجام کار تازه و اطلاع ی کلام بی مورد می نمود. به همین دلیل در هر دو مورد تنها به مطالب لازم مبتنی بر منابع موثق اکتفا شد. سپس اشعار استخراج شده از آثار شاعران به ترتیب حروف الفبایی به صورت قاموسی مرتب گردید و برای هر پارادوکس مدخلی انتخاب شد و در هر شعری هم که لازم بود یا غیر از پارادوکس، آرایه ی دیگری در آن چشم گیر بود، به آن نیز اشاره شد. در انتهای پایان نامه هم نتیجه گیری ارائه شده است.

در پایان در کمال صداقت اعتراف می کنم که تحقیق و نگارش این پایان نامه بدون بذل توجه و عنایات استاد محترم، جناب آقای دکتر محمد امیر عبیدی نیا میسر نمی شد و ایشان همواره در طی این مدت با صبر و حوصله ی فراوان به راهنمایی نگارنده پرداخته اند و این جانب را مرهون الطاف خویش قرار داده اند.

## بخش اول :

### سبک هندی و ویژگی های آن:

«سبک هندی یا اصفهانی که مقدمات آن از دوره مغول فراهم می شود با ظهور دولت "صفویه" در

ایران و "بابریه" در هند و نیز در اثر بعضی عوامل اجتماعی و سیاسی و دینی به وجود می آید .

پادشاهان صفوی برای حفظ استقلال ایران و تشکیل حکومت ملی، مذهب شیعه را به عنوان یک

مذهب ملی و رسمی در سراسر ایران رواج می دهند و برای اشاعه ی آن تبلیغات دامنه داری را آغاز می

کنند، همین امر روال مذهبی و سنتی گذشته را تغییر می دهد. توجه شدید پادشاهان صفوی به تشیع و

علاقه فراوان آنان به خاندان نبوت و اهل بیت باعث می شود که شعر در خدمت مذهب و تبلیغ مذهبی

قرار گیرد .

پادشاهان صفوی به مدح و اغراقات آن چندان علاقه ای نشان نمی دهند . غالباً شعر در نظر آنان جز

مناقب و مرثیه امامان و اهل بیت چیزی نیست و شاعران مدیحه سرا که جز اغراق و تملق چیزی ندارند

مورد بی اعتنایی قرار می گیرند. برخی از شاعران به دربار بابریه می روند و بسیاری به شعر مذهبی خاص

یعنی مرثیه و منقبت امامان روی می آورند.

از آنجا که دربار ایران به شاعران روی خوش نشان نمی دهد، قصیده سرایی خاصه مدیحه ضعیف

می شود و از رونق می افتد. همین امر باعث می گردد که شعر از دربار خارج شود و در میان مردم و

طبقات مختلف اهل حرفه و کسب رواج یابد. مدرسه ها که در دوره سلجوقیان رونقی گرفته بودند، به

تدریج از میان می روند. در نتیجه علوم مختلف اسلامی، اعتبار و اهمیت خود را از دست می دهد. شاعران

که غالباً اهل حرفه و کسب و کارند از مدرسه و علوم مدرسه فاصله می گیرند. از این رو، از یک طرف

سنت های درباری و از طرف دیگر علوم مدرسه ای در شعر فارسی فراموش می شود و به جای این هر

دو، سنتهای مذهبی خاصه تشیع و حکمت عامیانه وارد شعر می گردد. معانی و بافت کلام در شعر به تدریج تغییر می کند و سبک هندی یا اصفهانی متولد می شود.

از معانی شعری که در این سبک مورد توجه است یکی مرثیه است و منقبت و دیگر غزل عاشقانه با مضامین مختلف آن. در باب مرثیه شاعران غالباً به مناسبت خوشایندی پادشاهان و یا بنا به اعتقاد خودشان گرایش بدین معنی پیدا می کنند، در کتاب عالم آرای عباسی در شرح حال شاه طهماسب صفوی آمده است که چون شاعری وی را مدح می کند در جواب او می گوید :

«من راضی نیستم که شعرا زبان به مدح و ثنای من آلائند بلکه باید قصاید در شأن شاه ولایت و ائمه معصومین علیهم السلام بگویند و صله، اول از ارواح مقدسه حضرات و بعد از آن، از ما توقع نمایند.» (اسکندر بیگ ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۷۸)

این طرز فکر البته منحصر به شاه طهماسب نیست، غالب پادشاهان خاندان صفوی نیز همین اندیشه را دارند. از همین روست که اکثر شاعران این عصر به مرثیه روی می آورند و محتشم کاشانی (متوفی به سال ۹۹۶ هـ.ق) آن را به اوج کمال می رساند.» (جورج مورینسن، ۱۳۸۸: برگرفته از صص ۴۳۲/۴۲۴)

غزل از مهم ترین معانی شعری سبک هندی است. جوهر اصلی معانی غزل در این دوره عشق است. همانطوری که در دوره های قبل غزل عاشقانه رواج داشت و حتی در دوره ی رواج مکتب و اسوخت مضمون غزل عشق با نوعی لا ابالی گری و فساد و بی بند و باری همراه با مبالغات مربوط به سوز و گداز عاشقانه و خضوع فوق العاده و اظهار تواضع بیش از حد به معشوق بود در این دوره در سبک هندی غزل این خصیصه ی عاشقانه ی خود را از دست می دهد و اخلاق، نقد اجتماعی، ستایش شراب، فلسفه و کلام (همان گونه که در شعر حافظ دیده می شود) در غزل حضور می یابد. و مثلاً در شعر شاعری مانند

صائب فلسفه با عرفان به هم می آمیزد و شاعر که مثل صوفی از استدلال می گریزد، مثل واعظ به تمثیل می پردازد.

شاعران سبک هندی برای ساختن مضامین تازه دست به ابداعات ویژه ای می زنند و هرگونه تصاویر غیرعادی را وارد غزل می کنند و این امر ایجاد ابهام می نماید و در اکثر مواقع درک معنی را محتاج تأمل فراوان می سازد. مثلاً در این بیت که آن را عبدالقادر بیدل دهلوی راجع به تبسم معشوق گفته است :

تبسم که به خون بهار تیغ کشید؟      که خنده بر لب گل نیم بسمل افتاده است  
(بیدل، ۱۳۷۱: ۳۳۹)

این ابهام به چشم می خورد، در صورتی که شاعر می خواهد بگوید تبسم معشوق چنان زیباست که خنده گل در مقابل آن هیچ جلوه ای ندارد.

در سبک هندی البته قالب غزل بیش از قالب های دیگر اهمیت می یابد و شعرای بزرگ این مکتب مانند صائب تبریزی، نظیری نیشابوری، کلیم کاشانی، فیض دکنی، عرفی شیرازی و بیدل هندی و امثال آنان بدان توجه فراوان دارند. قالب قصیده و مثنوی نیز تا حدی رواج دارد و کسانی مانند محتشم کاشانی، طالب آملی، قدسی مشهدی به سرودن قصیده و کسانی مانند عرفی، کلیم، زلالی خوانساری به ساختن مثنوی گرایش و علاقه دارند. با این همه در این قالب ها جز در مرثیه چیز تازه ای ارائه نمی دهند .

به طور کلی خصایص اصلی سبک هندی عبارت است از :

«اجتناب از سادگی بیان، سعی در رقت فکر و خیال و رعایت ایجاز در الفاظ و جست و جو در مضامین پیچیده و تعبیرات بی سابقه، آوردن ترکیبات غریب و کلمات نامأنوس و نازک کاری و مضمون آفرینی و نیز غرابت در تشبیهات و استعارات و آفرینش خیال و توجه به تمثیلات و ارسال المثل ها بر مبنای استفاده از تجارب روزمره و اشخاص و اشیا تا حدی که نشان دهنده تاثیر محیط زندگی در شعر

باشد. گذشته از این‌ها عدم توجه به صحت و متانت استعمال زبان و توجه به لغات محاوره‌ای و الفاظ بازاری و در واقع ترجیح جانب معنی بر جانب لفظ و در نتیجه وجود اشعار سست و بی ارزش از خصایص عمده سبک هندی است.» (شمیسا، ۱۳۸۸: ۹۸)

توجه به اوهام و خرافات و رواج حکمت عامیانه، بیان احوال شخصی و عواطف مربوط به زن و فرزند و خویش و پیوند نیز از خصوصیات این سبک به شمار می‌رود.

مضمون آفرینی و به جست و جوی مضامین بکر و ناگفته و نشناخته پرداختن چنان که قبلاً هم اشاره شد چندان در سبک هندی رواج می‌یابد که کار به ابتذال می‌کشد. مثلاً شوکت بخاری از سایه‌ی مژه‌ی چشم مور، قلم مو می‌سازد و به دست مصور می‌دهد تا دهان تنگ یار را به آن تصویر کند:

ز سایه مژه چشم مور بست قلم      چو می کشید مصور دهان تنگ تو را

(بخاری، ۱۳۸۲: ۹۹)

پرگویی نیز از خصایص شعر سبک هندی است. شاعران این عصر غالباً در تمام مدت عمر به شعر گوئی یا به عبارت دیگر شعر بافی سرگرمند مثلاً شاعری بزرگ مثل صائب تبریزی ظاهراً تا دویست هزار بیت شعر گفته است اگرچه اشعار این شاعران بعضی سست و ناهنجار است اما در میان این ابیات سست بعضی ابیات لطیف و هنرمندانه به وجود می‌آمده است که غالباً شهرت می‌یافته است از این روست که گاه تک بیت‌های ممتازی می‌توان در شعر شاعران این سبک یافت که مایه‌ی شهرت آنهاست. این مفردات غالباً دارای نکات و لطایف هنری است و مانند امثال زبان زد عموم می‌گردد.

در بین سبک‌های مختلف شعر فارسی بیشترین بسامد پارادوکس را در سبک هندی مشاهده می‌کنیم، به نظر نگارنده بی‌شک دلایلی غیر از دلایل هنری باعث ایجاد این بسامد بالا شده است، عوامل هنری که از ریشه‌های شکل‌گیری ادبیات و بازی‌های لفظی و آرایه‌های ادبی تشکیل می‌شود. اما آنچه

در این پایان نامه حائز اهمیت است عوامل برون متنی تأثیر گذار بر اوج گیری تصاویر پارادوکسی به لحاظ تنوع مضمون و بسامد استفاده از آن در این دوره از سبک شعر فارسی است.

اجتماع ، شخصیت فردی و فلسفه ی زندگی سه بعد مهم در سرایش و نوآوری های شاعران یک سبک می باشد که از یکدیگر تأثیر گرفته و بر هم تأثیر می گذارند ، به این طریق که شخصیت فردی یک شاعر به مثابه ی قالبی است که ابعاد این قالب در فلسفه ی زندگی او شکل می گیرد و سپس این قالب به موجی از جریانات اجتماعی سپرده می شود و این موج گاه آن را صیقل می دهد و گاه رنگ و لعابی دیگر به آن می بخشد.

توضیح این عوامل به عنوان عوامل برون متنی به این شکل است:

### **زمینه های اجتماعی سبک هندی:**

«فاصله ی نخستین سال های سده ی دهم تا میانه ی سده ی دوازدهم هجری از دوره های بسیار مهم تاریخ ایران است و آنچه در این دوره اتفاق افتاد تأثیر بسزایی در زمان خود و ادوار بعدی به جا گذاشت. در این سده ها با دوره ای پر از افراط و تفریط ، فراز و نشیب ، خوشایند و ناخوشایند و بالتیجه با جامعه ای نابسامان و بی ثبات روبرو هستیم. رأس هرم اجتماعی در این دوره مختص دو گروه بوده است ، یکی، آنان که کلاهی سرخ بر سر نهاده بودند(قزلباش ها) و دیگر گروهی از علمای شیعی که با اعلام رسمیت مذهب شیعه(۹۰۷ هـ.ق) به تبلیغ فرهنگ شیعه و غنا بخشیدن به فقه و کلام شیعه پرداخته بودند . با توجه به ناکارآمدی پادشاهان صفوی به ویژه سلاطین بعد از شاه اسماعیل و فقدان وزیران و کارگزاران توانا و شایسته ، درگیری های درون خانوادگی میان بازماندگان شاه اسماعیل که عرصه را برای دخالت های ناسنجیده و صد البته نفع طلبانه ی قزلباش ها فراهم ساخته بود، با دوره ای روبرو هستیم که اگر دوره ی حکومت شاه عباس اول و فعالیت علما و دانشمندان و فلاسفه ی آن دوره را استثنا کنیم، تنزل فکری و



عقلی و ادبی جزو خصایص اساسی آن بشمار رفتنی است. این وضع در مورد ادبیات و به ویژه شعر، به مراتب ناگوارتر بود: دولت خودی ارج و بهایی برای شاعران و ادیبان قایل نبود و همسایگان بیگانه با محوریت هند و سلاطین گورکانی هند وظیفه‌ی حمایت از شعرای فارسی‌گو را به عهده گرفته بودند. زبان فارسی در داخل محدوده‌ی جغرافیای فرهنگی خود در اثر فشار از سوی دو زبان و فرهنگ عربی - با عنایت خاص علمای شرع بدان زبان - و زبان ترکی - با حمایت سلاطین صفوی و قزلباش‌ها - بدترین ایام خود را می‌گذراند.

دوره‌ی صفویان در کنار این معایب از یک نظر دوره‌ای نادر و طلایی هم محسوب می‌شود: مرزهای کشور دوباره به حد مرزهای دوره‌ی ساسانی نزدیک شده بود و پس از دوره‌های متعدد ملوک الطوائفی، بالاخره کشور ایران توسط حکومتی واحد و مستقل و خودی اداره می‌شد. روابط بازرگانی و تجاری با کشورهای دیگر آغاز شده بود و مهم‌تر از همه این که با رسمیت یافتن مذهب شیعه، جامعه‌ی ایران بعد از پشت سر گذاشتن کشمکش‌های نخستین مذهبی، به سوی وحدتی دینی کشانده می‌شد. (ذبیح الله صفا، ۱۳۸۴: ۷۲)

در این روزگار، شعر فارسی در حالی که در خارج از موطن خود شیفتگانی در میان هند و عثمانی یافته بود، در داخل ایران دوره‌ای از حرمان و محرومیت را سپری می‌کرد. رسم معمول همه‌ی حکومت‌های پیشین این بود که بخشی از بودجه کشور صرف حمایت از ادبا و شعرا و دانشمندان می‌شد، اما از هنگام روی کار آمدن شاه تهماسب اول، شاعران به اتهام دروغ پردازی و گزافه‌گویی از دربار رانده شدند، در حالی که دلیل اصلی او برای این کار، پرهیز از پرداخت صله و اجرت از سوی آن پادشاه بخیل و زراندوز بود. سلاطین بعد از او نیز آن چنان مشغول زد و خورد با خاندان خویش و مدعیان تاج و تخت بودند که مجالی برای توجه به حال شعرا را نداشتند. این اوضاع در حکومت صفویان چنان ریشه دار شد

که با تمام تلاش شاه عباس اول برای التیام خاطر شاعران و کشاندن آنها به سوی دربار خود ، شاعران از اعتماد به او طفره رفته از ورود به دربار پادشاهان صفوی و حکومت های متعاقب آن یعنی افشاریه و زندیه نیز سر باز زدند .

به راستی اگر ادب پارسی در آن زمان دو پناهگاه فرهنگی عثمانیان آسیای صغیر و گورکانیان هند را نداشت به چه اوضاع نا فرجامی دچار می گشت ؟ شاعران پارسی گوی به امید اینکه در دربار گورکانیان می توانند آسایشی نسبی داشته باشند و لااقل از رفاه مادی برخوردار شوند به آن دیار سرازیر شدند . این شاعران با سرخوردگی و دل شکستگی ناشی از ترک وطن و یأس و نومیدی و احساس جبری که تحمل شرایط سخت آن سرزمین غریب در ایشان ایجاد کرده بود و تحت تأثیر فرهنگ هندیان و لهجه ای خاص از زبان فارسی که در آن دیار رواج یافته بود ، اشعاری سرودند که سبک و سیاقش به نام آن سرزمین نامیده شد و «سبک هندی» در شعر فارسی ساز و سامان یافت . می توان گفت که شعرا با دست زدن به این مهاجرت ، در مقابل اجتماعی که شرایط آن برایشان غیر قابل تحمل بود ، دست به گریز زدند ، چراکه توانایی مقابله و ایجاد شرایط مناسب را نداشتند .

هر چند که این مهاجرت فرهنگی ، بهره های گزاف اقتصادی برای شعرای ما فراهم ساخت اما زیستن در سرزمین غریب که حتی شرایط آب و هوایی آن نیز با مزاج آنها سازگار نبود ، سر خوردگی از بی اعتنائی پادشاهان خودی و بیزاری از شرایط ناگوار زندگی ، ایشان را به فرار از تمام واقعیت های موجود و پناه بردن به دامن خیالات و توهمات دور و دراز واداشت . آنان آن چنان به مسائل و واقعیت های ملموس پیرامون خود ، بدبین شده بودند که دیگر نمی خواستند چشمی برای دیدن آن داشته باشند . این واقع گریزی که بطور طبیعی درون گرایی را نیز بدنبال داشت به جایی رسید که اغلب شاعران این دوره

با تیغ مواد افیونی پیوندهای خود را با محیط پیرامونشان بریدند و در دامن آن منابع الهام مصنوعی دست به سرودن اشعاری زدند که خیال پردازی های وهم انگیز محور اساسی آنها بود.

### زمینه های فلسفی سبک هندی :

فیلسوف نظریه پرداز ایران در دوره ی مورد نظر ما " میر داماد " می باشد که با ایراد نظریه های خاص خود تحولاتی اساسی در فلسفه ی اسلامی پدید آورد . او برای اولین بار بحث « اصالت وجود یا اصالت ماهیت » را پیش کشید و خود جانب اصالت ماهیت را گرفت . هر چند مشهورترین فیلسوف در این دوره صدر المتألهین می باشد لیکن او شاگرد میر داماد بود و بنیان فکری و عملی خود را بر پایه های نظریات میرداماد استوار ساخت .

«کسانی که اعتقاد به اصالت ماهیت دارند در تقسیم بندی هر واقعیت خارجی دو مفهوم چیستی ( ماهیت ) و هستی ( وجود ) ، که تنها یکی از این دو مفهوم به درستی واقعیت آن شیء را نمایان می کند و مفهوم دیگر حاصل فعالیت ذهن است و جنبه ی انتزاعی دارد ، وجود را نتیجه ی انتزاع ذهن و امری اعتباری می دانند . اصولاً ماهیات، مختلف و کثیرند ولی وجود امری واحد و مشترک است پس اگر به فرض اصالت با ماهیت باشد و ماهیت ها واقعیت جهان را تشکیل دهند ، جهانی سرشار از تنوع و اختلاف خواهیم داشت و در آن موجودات ذاتاً از یکدیگر متمایز و با هم متفاوت خواهند بود . میر داماد با اعتقاد به این اصالت اظهار می دارد که جهان حقیقتی یگانه و خاص و مشترک بین همه ی تعینات ندارد و هر آنچه از وجود واقعیت ، سخن می گوید ساخته و پرداخته ی ذهن و انتزاع است .» (شریف میان، ۱۳۸۹: ۴۸۲)

## شخصیت فردی:

در این سبک با شاعرانی مشابه از نظر حالات روحی و شخصیتی روبرو هستیم. شرایط اجتماعی و فلسفی روزگار بر روی آنان تأثیرهای مشترکی نهاده است، هرچند زمینه ساز برخی از ابعاد شخصیتی آنان دوران کودکی و بلوغ آنان می باشد.

شاعران فارسی گوی در این برهه از تاریخ ایران، دست از زندگی اجتماعی می شویند و خود را به می و میکده و خانقاه و شرابخانه می سپارند و در گریز از جامعه، دنیایی برتر و پالوده تر و مصنوع تر می طلبند. اغلب شان زندگی را در قهوه خانه ها می گذرانند یا با استعمال مواد افیونی، خود را از دست واقعیات زندگی می رهانند» آنگونه که در عصر صفوی استعمال حشیش و بنگ و کوکنار چنان رواج یافته بود که «کیف حلال» محسوب می شد و ستایش آن مواد افیونی به عنوان یکی از مضامین تکراری شعر فارسی بشمار می رود و غالب شعرا از آن مواد به عنوان منبع الهام مصنوعی بهره های زیادی می برند. کلیم کاشانی شاعر توانای سبک هندی در دو بیت زیر از ممدوح خود همین مواد افیونی را طلب می کند:

بلند قدر! سرگشتگان وادی غم      مفرحی پی دفع ملال می خواهند  
چو باده بی تو حرامست زآن نمی طلبند      حرام عیشان کیف حلال می خواهند

(کلیم، ۱۳۸۷: ۵۱۷)

طالب آملی نیز که از شعرای توانمند و نیکو سخن دوره صفویه است از دوران جوان به میخوارگی روی آورده بود و در صرف افیون و مفرح افیونی نیز اصرار داشت و گاه در این راه چنان زیاده روی می کرد که قدرت گفتار از او سلب می شد. به گونه ای که خود نیز در دیوانش این نکته را به صراحت بیان می کند. این ابیات از اوست:

طالب نسیم ما ز می لاله رنگ نیست      ما را برات نشئه به افیون نوشته اند